

Cognitive Value Foundations of New Islamic Civilization

Received: 16/09/2022

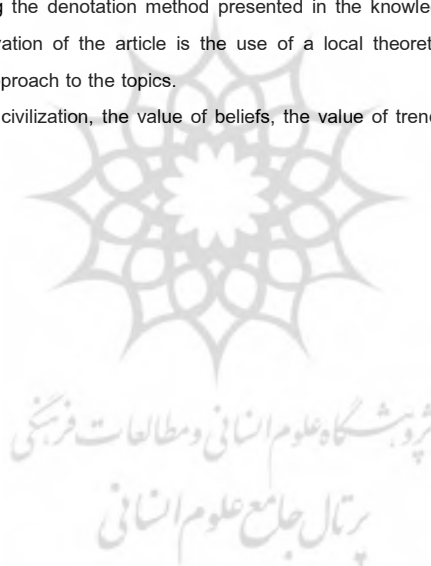
Accepted: 20/11/2022

Reza Lakzaee *

(229-254)

Iran's Islamic Revolution is the forerunner of the new Islamic civilization. This civilization has various foundations, including value foundations. Value bases, identity and soul are the foundation of a civilization. In this article, using the anthropological theoretical framework of Imam Khomeini, the foundations of cognitive value of modern Islamic civilization have been outlined in three areas of beliefs, tendencies and behaviors. Tawheed in the field of beliefs, trust and good faith and hope in God in the field of tendencies and paying attention to the range of reflection of actions at different levels and dimensions in the field of behaviors have been investigated as value bases. These three are the soft and main field of civilization and the tools and structures form the hard and secondary field of civilization. The article is organized using the denotation method presented in the knowledge of logic and principles of jurisprudence. The innovation of the article is the use of a local theoretical framework and having a Qur'anic and narrative approach to the topics.

Keywords: New Islamic civilization, the value of beliefs, the value of trends, the value of actions, The Holy Quran.



*. Researcher of Political Science Department, Imam Sadiq Institute of Islamic Sciences, Qom, Iran, rлакzaee@gmail.com.



مبانی ارزش‌شناختی تمدن نوین اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۲۹

رضا لک‌زایی*

(۲۲۹-۲۵۴)

چکیده

انقلاب اسلامی ایران، طلیعه تمدن نوین اسلامی است. این تمدن دارای مبانی گوناگونی از جمله مبانی ارزش‌شناختی است. مبانی ارزشی، هویت و جان‌مایه و بن‌مایه یک تمدن است. در این مقاله با استفاده از چهارچوب نظری انسان‌شناسانه امام‌خمینی (عج) مبانی ارزش‌شناختی تمدن نوین اسلامی در سه عرصه باورها، گرایش‌ها و رفتارها ترسیم شده است. توحید در عرصه باورها، اعتماد و حسن‌ظن و امیدداشتن به خدا در عرصه گرایش‌ها و توجه به گستره انعکاس عمل در سطوح و ابعاد گوناگون در عرصه رفتارها در قالب مبانی ارزش‌شناختی بررسی و کنکاش شده است. این سه، عرصه نرم و اصلی تمدن؛ و ابزارها و ساختارها عرصه سخت و فرعی تمدن را تشکیل می‌دهند. مقاله با استفاده از روش دلالت که در دانش منطق و اصول فقه ارائه شده سامان یافته است. نوآوری مقاله استفاده از چهارچوب نظری بومی و داشتن رویکرد قرآنی و روایی به مباحث است.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، مبانی ارزش‌شناختی باورها، مبانی ارزش‌شناختی گرایش‌ها، مبانی ارزش‌شناختی رفتارها، قرآن کریم.

* پژوهشگر گروه علوم سیاسی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، قم، ایران، rlakzaee@gmail.com

مقدمه

تشکیل تمدن نوین اسلامی آخرین حلقه از حلقه‌های پنج‌گانه‌ای است که از سوی حکیم خبیر امام‌خامنه‌ای علیه السلام مطرح شده است. اولین زنجیره تشکیل تمدن نوین اسلامی، انقلاب اسلامی، سپس نظام اسلامی، بعد دولت اسلامی و در ادامه جامعه و امت اسلامی است. مبانی ارزش‌شناختی این مراحل پنج‌گانه، مبتنی بر ارزش‌های اصیل اسلامی است. بحث ما در این مجال مبانی ارزش‌شناختی تمدن اسلامی است. طبق این نگاه تمدن نوین اسلامی، در مقابل تمدن کهن اسلامی قرار ندارد، بلکه مدل نوین و بهین همان تمدن است و از نقاط مثبت آن تمدن حتماً و قطعاً استفاده می‌کند، چراکه تضاد میان سنت و تجدد را ساختگی و غیرمنطقی و استفاده از تجارب بشری را مفید می‌داند. شناخت مبانی ارزش‌شناختی تمدن به این سبب مهم است که اگر در شناخت عناصری که برای یک تمدن ارزشمند است، غفلت کنیم، ممکن است که ماهیت آن تمدن بدون اینکه ما متوجه شویم، تغییر کند. بنابراین، لازم است مشخص کنیم مبانی ارزش‌شناختی تمدن نوین اسلامی چیست، تا هم تمدن نوین اسلامی بهتر شناخته شود و هم از دشمنانش متمایز گردد. تاجایی که نگارنده جست‌وجو کرده، به نوشته‌ای که به مبانی ارزش‌شناختی تمدن نوین اسلامی پرداخته باشد، برخورد کرده است. البته برخی آثار تاحدودی به این بحث توجه نشان داده‌اند؛ از جمله حبیب‌اله بابایی (۱۳۹۹: ۲۹۵-۳۲۵ و ۳۸۷-۴۸۰). محمدرضا بهمنی هم مفصل (۱۳۹۸: ۴۲-۱۲۰) و هم مختصر (ر.ک: حیدری‌پور، ۱۳۹۸: ۲۷-۴۱) به تمدن و نسبت آن با واژه قرآنی «امت» توجه نشان داده است. کتاب درسنامه شیعه و تمدن اسلامی به تمدن اسلامی در گذشته نظر دارد (الویری، ۱۳۹۶)، حال‌آنکه مقاله پیش‌رو بیشتر به آینده و ساخت تمدن نوین اسلامی می‌پردازد. چهارچوب نظری بومی و اسلامی مقاله پیش‌رو متخذ از نظریه طبقه‌بندی علوم امام‌خمینی علیه السلام در حدیث بیست‌وچهارم کتاب شریف چهل حدیث ایشان است. طبق این نظریه انسان دارای سه لایه وجودی است که کاملاً با هم مرتبط و در یکدیگر تأثیرگذارند. بر همین اساس، ارزش‌های تمدن که ساخته انسان است دارای سه مبانی ارزش‌شناختی کلان خواهد بود: مبانی ارزش‌شناختی در عرصه باورها،

گرایش‌ها و کنش‌ها. این مدل نگاه به تمدن که نگارنده در جایی دیگر (لک‌زایی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۴) آن را بسط داده و در اینجا از تکرار آن خودداری می‌کند از نوآوری‌های مکتوب پیش‌رو است که براساس نظریه دلالت که در دانش منطق و اصول فقه تبیین شده، ارائه می‌شود. امید آنکه دیگر مبانی تمدن نوین اسلامی، از جمله: مبانی معرفت‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی، مبانی غایت‌شناختی، مبانی هستی‌شناختی و... مورد کنکاش پژوهشگران قرار گیرد.

۱. ادبیات نظری

مبانی ارزش‌شناختی

«مبانی» جمع بنا و از ریشه «ب ن ی» است و در فرهنگ‌های لغت معمولاً به بنیان، بنیاد، شالوده، زیربنا، اساس و پایه هر چیزی مبنا اطلاق می‌کنند (احسانی، ۱۳۹۳: ۵۷-۶۰). در برخی از دانش‌ها به جای «مبنا» از واژه «ملاک» استفاده می‌کنند و مرادشان اصولی است که احکام و مقررات براساس آن وضع می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۱۷۴).

واژه ارزش از مفاهیم نسبتاً پرکاربرد در علوم انسانی است. در تعریف این مفهوم، معانی گوناگون، متنوع و متکثری ذکر شده است (مصباح، ۱۳۸۹: ۱۰۳-۱۲۲)، که همه آن تعریف‌ها را می‌توان چنین خلاصه کرد و گفت ارزش چیزی است که برای انسان مهم و مطلوب است، به طوری که انسان حاضر است برای به دست آوردن آن، رنج را تحمل کند و هر چیزی که برای انسان، ارزشمندتر باشد، سختی به دست آوردن یا حفظش هم بیشتر خواهد بود. ارزش‌ها اقتضایی هستند و ممکن است بر اثر شرایط زمان و مکان ارزش مضاعفی پیدا کنند (بیانات، ۱۳۶۸/۴/۵). در برابر هر ارزشی یک ضدارزش قرار دارد، یا ممکن است که یک امر در جایی، یا برای کسی ارزش باشد، اما در جایی دیگر و برای کسی دیگر ارزش نباشد (بیانات، ۱۳۶۸/۸/۲۴). ارزش براساس غایت تعیین می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۴۴۹) و نه لذت و نیاز و کمیابی و سود و... البته این ارزش‌گذاری پس از آن است که یک امر دارای ارزش فعلی باشد. به دیگر سخن، فقط به دلیل اینکه یک فعل ارزشمند است و بدون در نظر گرفتن غایت انجام آن نمی‌توان آن را با ارزش

دانست، چنان‌که نمازخواندن به قصد ریا فاقد ارزش است و به نیت تقرب به خدا ارزشمند. براین اساس، چون غایت تمدن می‌تواند متعالی یا متدانی باشد، ارزش نیز به متعالی و متدانی تقسیم می‌شود و در سه عرصه باورها، اخلاق و رفتار جلوه می‌نماید. پس منظور از مبانی ارزش‌شناختی، باورها، گرایش‌ها و کنش‌هایی است که مطلوب جوامع انسانی هستند و زیربنا و شالوده تمدن محسوب می‌شوند و می‌ارزند که انسان برای رسیدن به آن‌ها زحمت را بر خود هموار کند (ر.ک: لک‌زایی، ۱۳۹۷: ۲۳۸-۳۳۵). این سه رکن درهم تنیده‌اند و هریک در دیگری تأثیرگذار است و اگرهم روی کاغذ از هم جدا می‌شوند در واقعیت از یکدیگر سوا نیستند.

تمدن نوین اسلامی

تمدن که در عربی به آن «حضاره» می‌گویند از «حَصْر» گرفته شده که در مقابل «سفر» قرار دارد. حضر به معنای استقرار و سکونت و اقامت است، در مقابل سفر که به معنای جابه‌جایی و انتقال است. پس تمدن شیوه‌ای از زندگی است که افراد یک‌جانشین آن را می‌سازند، یا برمی‌گزینند که این نحوه از حیات در مقابل زندگی بادیه‌نشینی یا بیابان‌گردی قرار دارد (ر.ک: صدر، ۱۳۹۵: ۶۷). کتاب «جستاری نظری در باب تمدن» راجع به مفهوم، ماهیت و قلمرو و روش مطالعات تمدنی (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶) و کتاب «چیستی تمدن» به دیدگاه‌های دانشوران غربی (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸) و کتاب «تمدن و تجدد در اندیشه معاصر عرب» (به کوشش بابایی، ۱۳۹۰) به دیدگاه اندیشمندان عرب راجع به تمدن پرداخته است که علاقه‌مندان می‌توانند آنجا رجوع کنند.

اگرچه معمولاً در تمدن، ساختارها بیشتر به چشم می‌آیند و مطرح می‌شوند، باید گفت هر تمدن حداقل دارای چهار عرصه است: ۱. عرصه باورها، ۲. عرصه تمایلات و گرایش‌ها، ۳. عرصه رفتارها، ۴. عرصه ساختارها و ابزارها؛ بنابراین محدودکردن تمدن به بُعد مادی صحیح نیست. امام خمینی علیه السلام در همین زمینه دیدگاه گوستاولوبون را از دو جنبه نقد می‌کند: یکی اینکه تمدن فقط بُعد مادی و ساختاری ندارد و دوم اینکه علت زوال تمدن مسلمانان ناشی از قدرت ناسالم حاکمان دست‌نشانده مسلمانان است و نه اسلام (موسوی‌خمینی،

۱۳۸۵، ج ۱: ۳۸۳). بنابراین ایجاد يك تمدن نوین اسلامی که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی است دو بخش دارد:

۱. بخش حاشیه‌ای یا ابزاری یا نرم‌افزاری تمدن، مانند: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛

۲. بخش متنی یا اصلی یا سخت‌افزاری تمدن، مانند: مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب‌وکار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه (بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

هرچیزی که ما را در رسیدن به این هدف یاری رساند، ارزشمند است و هرچه که در حرکت ما به سوی این هدف، یعنی تشکیل تمدن نوین اسلامی، تأثیری نداشته باشد یا تأثیر کمی داشته باشد ارزش آن با مخاطره مواجه خواهد بود. انقلاب اسلامی در زمینه سخت‌افزاری تمدن نوین اسلامی پیشرفت‌های خوبی داشته است اما در زمینه نرم‌افزاری ساخت تمدن نوین اسلامی، یعنی سبک زندگی، پیشرفت چشمگیری نداشته است. در این زمینه، روندهایی وجود دارد که باید مورد شناسایی و اصلاح و علاج قرار گیرد (بیانات: ۱۳۹۱/۷/۲۳). براین اساس، رسالت مقاله پیش‌رو تبیین مبانی ارزش‌شناختی تمدن نوین اسلامی در لایه نرم و بنیادین و حقیقی و اصلی تمدن اسلامی است که همان متن و سبک زندگی است (ر.ک: لکزایی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۵).

چهارچوب نظری

چنان‌که روشن است بنیادها و ریشه‌های این تعریف در نگاه امام خمینی علیه السلام به تمدن و در نگاه چندبعدی به تمدن نهفته است. از آنجاکه امام خمینی علیه السلام برای انسان سه لایه وجودی قائل بوده و در بخشی از بُعد وجودی او، یعنی بعد مادی، انسان را در چهارچوب زمان و مکان

می‌بیند، تمدن را هم پیشرفت همه‌جانبه انسان و جامعه در همین سه بعد می‌داند؛ یعنی بُعد: ۱. باورها، ۲. گرایش‌ها و ۳. بُعد مادی شامل رفتارها، ساختارها و ابزارها. آنچه گفته شد در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۱: نمایی کلی از تمدن نوین اسلامی

تعریف تمدن	مؤلفه‌های نرم و سخت تمدن نوین اسلامی	ابعاد تمدن	نیازهای انسان	ابعاد وجودی انسان
تمدن، بهترین ابزار و بزرگ‌ترین ساختار و محمل مادی در مسیر پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی، عاطفی و مادی انسان‌هاست.	اعتقاد به رسیدن به غایات مطلوبی که خدای متعال انسان را برای رسیدن به آن غایات آفریده است و لوازم آن و در نتیجه نگاه معنادار به زندگی	باورها	نیازهای معنوی - اعتقادی	روح
	داشتن زندگی خوب و همراه با احساس عزت و قدرت همراه با آرامش حقیقی	گرایش‌ها	نیازهای احساسی - اخلاقی	نفس
	داشتن زندگی خوب و همراه با آسایش مادی	رفتارها		
	تلاش مبتکرانه، هم‌افزا، تشکیلاتی و منسجم و هماهنگ برای ساختن جهان انسانی و طبیعی	ساختارها	نیازهای مادی - ساختاری	بدن
	دارای ابزار پیشرفته و به‌روز	ابزارها		

(منبع: لکزایی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۴)

پژوهش پیش‌رو به این دلیل که پیشرفته‌بودن ابزارها تقریباً مورد اتفاق همه اندیشمندان است و همه متفکران مجهز‌بودن به بهترین ساختارها را از مبانی ارزش‌شناختی تمدن در

عرصه سخت آن می‌دانند به این بحث نمی‌پردازد. در مقابل، چون عمل انسان رکن مهم ساخت یا فروپاشی تمدن است، به مبانی ارزش‌شناختی رفتاری با تفصیل بیشتری (نسبت به عرصه باورها و گرایش‌ها) توجه می‌کند.

۲. مبانی ارزش‌شناختی باورها در تمدن نوین اسلامی

بارزش‌ترین و مهم‌ترین اصلی که در دستور کار مجاهدانه تمامی انبیا قرار داشته و آنان مجدانه مردم را به آن دعوت کرده‌اند، اصل توحید است: «أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ». تمدن نوین اسلامی خواستگاه توحیدی دارد و بر مدار توحید در حرکت است. حضرت رسول الله ﷺ هم می‌فرماید هرکس که با اخلاص کلمه طيبة «لا إله إلا الله» را بگوید وارد بهشت می‌شود، و علامت اخلاصش آن است که او را از انجام آنچه خدا تحریم فرموده، مانع می‌شود (محدث عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵: ۲۵۷). این فرمایش پیامبر اعظم، اهمیت و جایگاه مهم توحید و اعتقاد راستین به توحید را می‌رساند که به‌خوبی از مرتبه باور به مرتبه عمل که اعم از فعل قلب و فعل جسم می‌باشد، ارتباط برقرار کرده است.

امام خمینی «اصل توحید» را «ریشه» و «اصل» و «مهم‌ترین» و «بارزش‌ترین» اعتقادات مسلمانان می‌داند و از آن نتایج سیاسی و اجتماعی می‌گیرد. از نظر امام خمینی ﷺ با پذیرش توحید، انسان نباید از هیچ کس دیگری اطاعت کند و باید در برابر اطاعت از غیر خدا سر باز زند و قیام کند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۵: ۳۸۷ و ۳۸۸). رهبر معظم انقلاب منطبق با چهارچوب اسلام ناب و دیدگاه امام خمینی، میان توحید و قدرت به معنای سیاسی و اجتماعی رابطه‌ای مستقیم قائل است و در معنای توحید می‌فرماید: «توحید عبارت است از نفی هرگونه قدرتی جز قدرت پروردگار» (بیانات، ۱۳۹۷: ۳۱۹). ایشان علت مخالفت کافران را که در مقابل گفتمان تمدنی انبیای الهی قرار دارند این می‌داند که آن‌ها می‌دانستند اگر جامعه و نظام و تمدنی براساس توحید بنا شود، در آن نظام تبعیض، اختلاف طبقاتی و ظلم راه نخواهد داشت (ر.ک: بیانات، ۱۳۹۷: ۳۱۹ و ۳۲۰).

مهم‌ترین مشکل تمدنی دنیای قدیم و امروز، جدایی از خدا و اعتقاد به خدا و التزام به اعتقاد به خداست. البته شاید اعتقاد ظاهری و صوری وجود داشته باشد، اما این اعتقاد به

خدا فاقد التزام است. قرآن کریم از قول یهود نقل می‌کند که آن‌ها گفتند: «دست خدا بسته است» (مانده: ۶۴)؛ یعنی وجود دارد اما اثری در زندگی انسان ندارد. بنابراین می‌توان یک تمدن بنا کرد که بناکنندگان آن اسماً به خدا معتقد باشند ولی در متن و بطن تمدنشان، خدا را نادیده بگیرند و تأثیری برای خدا قائل نباشند. پس مراد از توحید فقط پذیرش و اقرار ذهنی و زبانی به خدا نیست. بعد از آنکه انسان، خدا را شناخت، می‌خواهد و می‌باید با جسم و جان به او تقرب پیدا کند. تقرب به خدا، پیاده‌ساختن صفات خدا در وجود خویش، جامعه و تمدن است.

به‌همین دلیل، نقش اساسی انحراف از توحید سخت‌ترین مجازات را به دنبال دارد. وقتی عده‌ای از قوم بنی اسرائیل از خداپرستی به گوساله‌پرستی معتقد شدند، پذیرش توبه آن‌ها مشروط به کشتن یکدیگر شد (بقره: ۵۴)؛ آیت‌الله جوادی دلیل این حکم «سخت و خشن» را حمایت از توحید می‌داند و می‌نویسد «تا مهم‌ترین اصل اعتقادی که از جهتی می‌توان آن را عصاره همه ادیان آسمانی دانست به‌سادگی آسیب نیند، و انحراف بنی اسرائیل از چنین اصلی، سنت سیئه‌ای برای نسل‌های آینده نگردد» (جوادی آملی، ۴: ۴۴۰). از طرف دیگر، بزرگ‌ترین جانفشانی‌ها هم برای اعتلای کلمه توحید توسط انبیا و اوصیا و علمای متعهد و بیدار انجام شده است؛ تلاش برای سوزندان قهرمان توحید، حضرت ابراهیم خلیل، توطئه برای ترور حضرت صالح و خانواده‌اش، و بعدها تلاش برای ترور پیامبر ﷺ و شهادت امام حسین علیه السلام در کربلا نشان از این دارد که جان‌باختن در راه جانان امری ریشه‌دار و قدیمی بوده و در جریان بوده و هست. به اعتقاد ابوریحان بیرونی، سقراط هم به خاطر اعتقاد توحیدی‌اش که نفی‌کننده تمام الهه‌های دروغین بود جام شوکران را نوشید (بیرونی، ۱۴۰۳: ۲۱). جنگ ابرقدرت‌ها با ایران هم به خاطر شعار «لا إله إلا الله» و توحید است. براین اساس، می‌توان گفت در تمدن نوین اسلامی مهم‌ترین و باارزش‌ترین حق انسان، حق حیات نیست، بلکه حق توحید و قوانینی است که براساس توحید تشریح شده است (طباطبایی، ۱۳۷۱، ۲: ۷۱).

بنابراین، روشن شد که اصل توحید، مهم‌ترین و باارزش‌ترین اصل اعتقادی است که

تمدن نوین اسلامی بر محور آن در گردش است و هرچه که در تضاد و تعارض با آن باشد، باید کنار گذاشته شود. مخصوصاً اگر این تعریف از ارزش که «هرچه، اعم از مادی و معنوی، کسبش یا حفظش به پرداخت هزینه‌ای، اعم از مال، جان، زمان، احساس یا آبرو و... ببرزد، به میزان چنین هزینه‌ای ارزش است» (حسنی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۰۱) را در نظر بگیریم، به زیبایی ارزش توحید نمایان می‌شود.

۳. مبانی ارزش‌شناختی گرایش‌ها در تمدن نوین اسلامی

در بخش قبل سخن از اندیشه و در این بخش سخن از انگیزه است. در میان انگیزه‌ها به اعتماد و حسن ظن به وعده‌های خداوند متعال می‌پردازیم. میان حسن ظن و اعتماد به خداوند متعال رابطه بسیار نزدیکی وجود دارد. شاید بتوان گفت حسن ظن به خداوند باعث اعتماد به عنایات الهی می‌شود. امام جواد علیه السلام می‌فرمایند: اعتماد به خداوند متعال بهای هر کالای قیمتی و وسیله رفتن به هر بلندی است (دیلمی، ۱۴۰۸: ۳۰۹) که از جمله ساخت تمدن نوین اسلامی یکی از آن بلندی‌هاست.

تأثیر مبنای اعتماد به خدا در ساخت تمدن نوین اسلامی

«برای این که ما ارزش ایمان را و نتیجه ایمان را بدانیم، لازم است از مژده‌ها و نویدهایی که خدا به مؤمنین داده است، آگاهی پیدا کنیم؛ ببینیم خدای متعال برای مؤمن، در مقابل ایمانش و در مقابل عمل شایسته‌اش و انجام تعهداتش، متقابلاً چه چیزی را تعهد می‌کند» (بیانات، ۱۳۹۷: ۱۳۸). معمولاً ما به یک قول متعارف معمولی از سوی آدمی که کار بدی از او ندیده‌ایم، اعتماد و مقدمات کار را فراهم می‌کنیم. خدای متعال هم به ما وعده‌هایی داده است از قبیل: نصرت (حج: ۴۰)، هدایت (عنکبوت: ۶۹)، تعلیم (بقره: ۲۸۲)، خلافت در زمین (نور: ۵۵)، مغفرت و اجر عظیم (مائده: ۹)، نجات مؤمنان (یونس: ۱۰۳)، حکومت مستضعفان بر زمین (قصص: ۵) و... حرکت و تلاش برای ساخت تمدن نوین اسلامی براساس اعتماد به این وعده‌های صادق و حقیقی انجام می‌شود.

در نقطه مقابل، شیطان هم به انسان وعده می‌دهد و در صورت پذیرش وعده‌هایش تاروپود تمدن نوین اسلامی بر باد می‌رود: «السَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ» (بقره: ۲۶۸). شیطان انسان

را می‌ترساند (آل عمران: ۱۷۵) و وعده‌های فریبنده می‌دهد (نساء: ۱۲۰) تا از طریق ویروس ترس، فریب، تطمیع و اغوا در دستگاه محاسباتی ما اختلال ایجاد کند و دستگاه محاسباتی ما را از کار بیندازد و در نتیجه محاسبه غلط انجام بدهد.

محاسبه غلط، یکی از بزرگ‌ترین خطرهایست که گاهی حیات انسان و گاهی سرنوشت انسان و تمدن او را تهدید می‌کند؛ چون توانایی‌های انسان، تحت سرپنجه اراده او و اراده انسان تحت تأثیر دستگاه محاسباتی اوست. اگر دستگاه محاسباتی بد کار کرد، اراده انسان تصمیمی می‌گیرد و در جهتی می‌رود که خطاست؛ آن وقت همه توانایی‌های انسان در این جهت خطا به کار می‌افتد (بیانات، ۱۳۹۳/۴/۱۶). به دلیل همین اهمیت است که خداوند متعال بلافاصله در مقابل تدابیر شیطانی صریحاً موضع‌گیری می‌کند و می‌فرماید: فقط از من بترسید (آل عمران: ۱۷۵). بنابراین براساس منطق قرآن، با اعتماد انسان به سخنان خدا یا وعده‌های پوچ و دروغین شیطان، دو مدل تمدن شکل می‌گیرد.

اکنون پرسش این است که چرا یک شخص یا جریان یا جامعه و مردم یک کشور به خداوند متعال سوءظن دارد و مردمی دیگر به خداوند متعال حسن‌ظن دارند؟ در قرآن از قلب سلیم و قلب بیمار سخن گفته شده است. علت اصلی بیمار شدن قلب، نافرمانی از خالق قلب و به تعبیر قرآن «گناه» است. گناه قفل قلب است. به تعبیر جامع، وهم و خیال، قفل علمی و شهوت و غضب، قفل عملی است. شیطان پس از طواف و لمس خانه قلب، در را می‌گشاید و وارد می‌شود و درب قلب را از درون قفل می‌کند و کلید را هم نگه می‌دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۴). یکی از ثمرات سقوط قلب، در دستگاه ارزش‌شناختی انسان خودش را نشان می‌دهد. انسانی که قلبش به تصرف شیطان درآمده به خداوند سوءظن دارد و از رحمت او ناامید و مأیوس است و همین ارزش منفی را تبیین و تبلیغ می‌کند؛ لذا قرآن برای اینکه این اتفاق نیفتد، به ما فرموده است مواظب غذایان باشید، چه غذاهای علمی و چه غذاهای عملی (همان).

امام علی علیه السلام وقتی شخصی حلوی را به نیت رشوه و به اسم هدیه برایشان آورد، فرمودند: «چنان از آن متنفر شدم که گویا آن را با آب دهان مار سمی یا قی کرده آن مخلوط کردند!» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۵). لذا درست است که غذای حلال و حرام در ظاهر هیچ تفاوتی با

هم ندارند، اما در دستگاه ارزش شناختی تمدن نوین اسلامی، این تفاوت از سم تا شفاست؛ زیرا غذای حرام در دستگاه ارزشی و معرفتی انسان اختلال ایجاد می‌کند. امام علی علیه السلام بعد از نقل آن ماجرا می‌فرماید: «تَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعُقْلِ وَ قُبْحِ الزَّلَلِ (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۵)؛ به خدا پناه می‌بریم از خفتن عقل و زشتی لغزش‌ها».

شهوئت بیدار و عقلت شد به خواب /// عقل خواب‌آلوده کی گوید صواب

(صدرالمتهلین شیرازی، ۱۳۸۲: ۴۸).

براساس نظریه حرکت جوهری غذا به اندیشه تبدیل می‌شود و در اندیشه و نظام ارزشی انسان، تأثیر منفی خود را می‌گذارد و ممکن است باعث خفتن و ازکارافتادن عقل و اندیشه و لغزش اخلاقی و غیراخلاقی انسان شود. به این ترتیب، توجه به تغذیه ظاهری و باطنی یکی از مبانی ارزش شناختی مهم در تمدن نوین اسلامی است که در ساخت و استمرار آن نقش اساسی ایفا می‌کند.

نمونه‌ها و مصادیق مبنای اعتماد به خدا

قرآن کریم از سرگذشت واقعی و مصادیق حقیقی کسانی که به وعده‌های الهی اعتماد کردند و کسانی که با وعده‌های الهی با سوءظن و بی‌اعتمادی روبه‌رو شدند، سخن گفته است. قرآن نقل می‌کند که وقتی منافقان و بیماردلان صفوف منظم و مجهز دشمن را دیدند، گفتند: «ما یارای ایستادگی در برابر این قدرت عظیم را نداریم؛ وعده یاری خداوند و رسول او هم فقط برای فریب ما بود!» لذا بی‌شرمانه از معرکه گریختند یا با بهانه‌های واهی در پی فرار محترمانه بودند. این یک نگاه در مقابله با حوادث است (احزاب: ۱۲ و ۱۳). نگاه دیگر در نقطه مقابل این دیدگاه قرار دارد. در این جبهه به جای آنکه افراد دچار ضعف و ترس شوند، با اعتماد به خدا، بر ثبات قدم و ایمانشان افزوده می‌شود. قرآن می‌فرماید:

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا (احزاب: ۲۲)؛

و چون مؤمنان دسته‌های دشمن را دیدند، گفتند: «این همان است که خدا و فرستاده‌اش به ما وعده دادند و خدا و فرستاده‌اش راست گفتند»، و جز بر ایمان و فرمانبرداری آنان نیفزود.

منشأ این دو نگاه آنجاست که مؤمنان قدرت و عظمت دشمن را در مقابل عظمت پروردگار قرار می‌دهند و دشمن را حقیر می‌بینند و وعده الهی را هم راست می‌شمردند و می‌گویند خدای متعال به ما وعده داده است (حج: ۴۰) و این وعده قطعی و مؤکد و صادق الهی است (ر.ک: بیانات، ۱۳۸۹/۱۲/۱). اگر ما به وعده الهی حسن ظن داشته باشیم، یک طور عمل می‌کنیم و اگر به وعده الهی سوء ظن داشته باشیم، شکل دیگری عمل می‌کنیم. سوء ظن به خدا این است که انسان تصور کند قول خداوند صادق الوعد که با تأکید و قسم فرموده است: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ» خلاف واقع است. اینجاست که خداوند متعال فرد و جامعه‌ای را که به او سوء ظن دارند ملامت، سرزنش، مذمت و لعنت می‌کند (فتح: ۶).

بنابراین، سوء ظن به خدا باعث می‌شود که انسان تحت تأثیر القای شیطان قرار بگیرد و بترسد و مایوسانه بنشیند و از حرکت و از کار و تلاش دست بردارد؛ اما در مقابل اگر به خدا حسن ظن داشتیم، آن وقت نمی‌ترسیم و می‌توانیم امیدوارانه به پیش برویم و پیشرفت کنیم. حسن ظن به خدا چشم‌انداز آینده را برای ما روشن و سرشار از امید و خوش‌بینی ترسیم می‌کند. قدرت صبر و استقامت ما را ارتقا می‌بخشد و بر صلابت و جرأت و شجاعت ما می‌افزاید و ما را به آینده دلگرم می‌کند. با مجاهدت و صبر هم ثواب الهی و هم پیروزی و تمدن نوین اسلامی به دست خواهد آمد.

از طرفی وعده‌های الهی پلکانی است که می‌توان از آن با عنوان «تاکتیکی ربوبی» (بیانات، ۱۳۹۲/۲/۹) یاد کرد. مراد از پلکانی بودن وعده‌های الهی این است که همواره تحقق معجزگون وعده‌های الهی، تحقق وعده‌های بزرگ‌تر را نوید می‌دهد. حکایت قرآن از دو وعده‌ای که خداوند به مادر موسی داد، نمونه‌ای از این تاکتیک ربوبی است. در آن هنگامه دشوار که فرمان به آب افکندن صندوق حامل نوزاد داده شد، خطاب الهی وعده فرمود که: «إِنَّا رَأَوُوهُ إِلَيْكَ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» (قصص: ۷). تحقق وعده اول که وعده کوچک‌تر و مایه دلخوشی مادر بود، نشانه تحقق وعده رسالت شد، که بسی بزرگ‌تر و البته مستلزم رنج و مجاهدت و صبر بلندمدت بود: «فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ لَا تَحْزَنَ وَ لَتَعْلَمَنَّ

أَنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا» (قصص: ۱۳). این وعده حق، همان رسالت بزرگ است که پس از چند سال تحقق یافت و مسیر تاریخ را تغییر داد.

باید دقت داشت که اگر ملت‌هایی در دنیا زیر یوغ و شکنجه مستکبران قرار داشتند و گامی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی برنداشتند، علتش این است که حتماً در آنجا به سنت‌های دیگر الهی عمل نشده است. خداوند می‌فرماید: «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ» (بقره: ۴۰). بنابراین مجاهدت و تلاش لازم است. اگر ملتی به خدا اعتماد داشت، اما تلاش و مجاهدت نکرد، موفق نمی‌شود؛ ایمان و اعتماد و حسن ظن به خدا باید با مجاهدت و عمل آگاهانه همراه باشد؛ در این صورت خدای متعال وعده خود را عملی خواهد کرد.

۴. مبانی ارزش‌شناختی رفتارها در تمدن نوین اسلامی

قرآن سرمایه اصلی تمدن نوین اسلامی است (غلامی، ۱۳۹۶: ۷۰). در علوم انسانی متعالی قرآن‌بنیان (لک‌زایی، ۱۳۹۵: ۲۲۹) انسان و جهان و رابطه انسان و جهان، مخلوق و مصنوع خداست و انسان و جهان و قوانین حاکم بر آن‌ها ماهیت «از اویی» و «به‌سوی اویی» دارند و بریده و جدا از هم و از تدبیر خدا نیستند. در همین چهارچوب، برخی از اعمال و رفتار ارادی و آگاهانه انسان، صالح، نیک و ثواب است و برخی کارهای او گناه است (فصلت: ۴۶)؛ اما قرآن فقط به این مطلب اکتفا نمی‌کند و با ارائه یک نظام جامع و کامل به ذکر احکام عمل انسان و گره‌زدن و ارتباط آن با عالم غیب در زندگی شخصی، خانوادگی، اجتماعی و زیست‌محیطی و تمدنی او می‌پردازد. این بینش قرآنی به ما نشان می‌دهد که اعمال انسان چه اهمیت و موقعیتی در ساخت و استمرار تمدن نوین اسلامی دارد. و از جمله به این پرسش پاسخ می‌دهد که «تغییر و تحول فرهنگ [به‌مثابه روح تمدن] از طریق وحی و نزول پیام آسمانی چه‌سان انجام می‌گیرد؟» (بابایی، ۱۳۹۹: ۳۲۹). در جدول‌نمایی از گستره انعکاس عمل حسنه و سیئه نشان داده شده است.

جدول ۲. گستره انعکاس عمل حسنه و سیئه در تمدن نوین اسلام

ردیف	گستره تأثیرات عمل	نمونه‌ها و مصادیق
۱	شخصی	<p>۱. برخی از سیئات حبط‌کننده همه حسنات در دنیا و آخرت هستند و بالعکس، مانند کفر و اسلام.</p> <p>۲. برخی از سیئات، برخی حسنات را نابود می‌کنند و بالعکس، مانند گناه مخالفت با پیامبر و اجتناب از گناهان بزرگ.</p> <p>۳. برخی از حسنات، سیئات را به حسنات تبدیل می‌کند، مانند نماز، توبه، ایمان و عمل صالح.</p> <p>۴. برخی از اعمال نیک و بد، موجب انتقال حسنات گناهکار یا سیئات نیکوکار می‌شود، مانند قتل و غیبت.</p> <p>۵. برخی از اعمال، نسبت به مرتکبان، خصوصیت عمل یا ویژگی عامل چند برابر پاداش یا عقاب دارد.</p>
۲	خانوادگی	<p>۱. اختصاص رحمت خداوند به فرزند، به خاطر صالح بودن پدر یا اجدادشان؛</p> <p>۲. مظلوم واقع شدن ذریه به خاطر ظلم پدر (و شاید هم اجداد) به ایتمام.</p> <p>۳. الحاق ذریه‌های مؤمنان به پدرانشان، هر چند که ایمانشان به درجه ایمان پدرانشان نرسد.</p>
۳	زیست‌محیطی	<p>۱. ایمان و تقوای اهالی شهرها و روستاها موجب گشایش درهای برکات آسمان و زمین می‌شود.</p> <p>۲. فساد و صلاح دریا و خشکی و تری زمین به خاطر اعمالی است که مردم انجام می‌دهند.</p>

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۱. تأثیر و تأثر رفتارهای شخصی

مراد از تأثیرات شخصی، تأثیراتی است که اعمال در یکدیگر می‌گذارند. همه اعمال انسان در یک ردیف و مشابه هم نیستند، بلکه هریک از اعمال، در دیگر اعمال، اخلاق و عقاید انسان تأثیرگذار است و این اصل مهم باعث می‌شود که انسان با دقت اعمالش را زیر نظر داشته باشد و از لاک غفلت بیرون بیاید و بهترین تصمیم را بگیرد و بهترین عمل را انجام بدهد. برای نمونه، بعضی از اعمال نیک وجود دارند که اثر همه گناهان آدمی را هم در دنیا و

هم در آخرت محو می‌کنند، مانند توبه و اسلام (زمر: ۵۳ و ۵۴). برخی دیگر اثر بعضی از گناهان را از بین می‌برند، مانند نمازهای واجب (هود: ۱۱۴)؛ چنان‌که تقوای الهی نیز سیئات را محو می‌کند (انفال: ۲۹). پاره‌ای از اعمال حسنه هم وجود دارند که گناه را به حسنه تبدیل می‌کنند (فرقان: ۷۰). در صحیفه سجادیه هم این مضمون را چنین می‌بینیم: «یا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَعْفَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ» (دعای دوم).

در مقابل، برخی از گناهان، همهٔ حسنات انسان را در دنیا و آخرت حبط می‌کنند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۵۳-۲۵۰؛ نیز ر.ک: تسنیم، بی‌تا، ۱۰: ۵۸۳)؛ مانند ارتداد (محمد: ۳۲؛ حجرات: ۲)، کفر، انکار آیات الهی، کشتن انبیا و آمران به معروف (آل عمران: ۲۱ و ۲۲)، ارتکاب شرك و نفاق (احزاب: ۱۸ و ۱۹). همین‌طور برخی گناهان پاره‌ای از کارهای نیک را نابود می‌کنند، مانند گناه مخالفت با پیامبر ﷺ (محمد: ۳۲) و رعایت نکردن ادب محضر رسول اکرم (حجرات: ۲).

کارکرد دیگر بعضی از گناهان این است که باعث انتقال حسنات گناهکار یا سیئات نیکوکار به دیگری می‌شود، مانند قتل و غیبت (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۲: ۲۵۹؛ شعیری، ۱۴۰۵: ۱۴۷؛ نیز ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ۳۰۸) و قتل (ر.ک: جوادی آملی، بی‌تا، ۱۰: ۶۱۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵: ۴۹۵ و ۴۹۶). بخشی از گروه‌ها و اشخاص و کسانی که سنت‌های باطل می‌گذارند یا دیگران را گمراه می‌کنند دو گناه دارند (نحل: ۲۵). سران استکبار هم دو گناه دارند: یکی گمراهی خود و دیگری گمراه کردن دیگران (اعراف: ۳۸). البته برخی گناهان نسبت به بعضی مرتکبان موجب دوچندان شدن عذاب الهی می‌شود؛ مثلاً خداوند سبحان عذاب گناه زنان پیامبر را دو برابر دانسته است (احزاب: ۳۰)، چنان‌که کار نیک آنان پاداش مضاعف دارد (جوادی آملی، بی‌تا، ۱۰: ۶۱۸ و ۶۱۹).

نکتهٔ جالب‌تر این است که برخی از اعمال، پاداش کار ناکرده را نصیب انسان می‌کنند. در نهج البلاغه می‌خوانیم که یکی از رزمندگان سپاه اسلام به حضرت عرض کردند: ای کاش برادرم هم در این نبرد همراهان بود! امام ﷺ به وی فرمودند: آیا واقعاً برادرت دوست داشت همراه ما باشد؟ آن شخص گفت: آری. حضرت فرمودند: پس او نیز اینجا

حاضر بوده است. کسانی در لشکر ما حاضر بوده‌اند که هنوز متولد نشده‌اند (نهج البلاغه، خطبه ۱۲؛ شوشتری، ۱۳۷۶). اگر این حدیث کنار برخی از بد اخلاقی‌های سیاسی در انتخابات و جنگ قدرت قرار گیرد، مشخص می‌شود که این حدیث در تشکیل و تثبیت جامعه و دولت و تمدن نوین اسلامی نقشی راهبردی و بلکه حیاتی دارد؛ زیرا اگر انسان، نیت خودش را صاف و صادق کند وقتی می‌بیند کس دیگری غیر از خودش در اداره یا کارخانه‌ای مشغول خدمت به جامعه است، علیه او موضع‌گیری یا کارشکنی و حسادت نمی‌کند، چون خود را در پاداش او شریک می‌داند. در نتیجه، این امر باعث اخوت و محبت و پیشرفت و استحکام دولت و ملت می‌شود و سرعت محقق ساختن تمدن نوین اسلامی را افزایش می‌دهد. از این برادری می‌توان به اخوت انسانی هم تعبیر کرد (ر.ک: بابایی، ۱۳۹۹: ۴۲۱).

۲. تأثیر و تأثر رفتارهای خانوادگی

۲-۱. تأثیر دنیوی رفتارهای خانوادگی

برخی معتقدند با مرگ، پرونده انسان بسته می‌شود و انسان مرده نمی‌تواند به نزدیکان خیر و شری برساند؛ اما اندیشه قرآن بنیان معتقد است انسانی که به سرای جاوید کوچیده می‌تواند با اعمال حسنه و سیئه‌ای که در زمان حیاتش انجام داده، به خانواده‌اش نیکی یا بدی کند؛ چراکه عمل او زنده و منشا اثر است.

این حقیقت که اعمال آدمی (چه خیر و چه شر) نوعی عکس العمل دارد و نه فقط در آخرت، که در همین دنیا به صاحب عمل برمی‌گردد، يك اصل مسلم قرآنی است، و هرکس از باغ عمل خودش میوه سعادت یا شقاوت می‌چیند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۱، ۴: ۲۰۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴: ۳۱۹). در عین حال، قرآن کریم با گسترش دادن شعاع انعکاس اعمال انسان، معرفتی جدید ارائه می‌دهد و می‌فرماید چه بسا که بازتاب عمل نیک کسی به فرزندان او برسد: «وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ (كهف: ۸۲)؛ اما آن دیوار که ساختیم متعلق به دو کودک یتیم در آن شهر بود و در زیر آن گنجی متعلق به آن دو بود و چون

پدرشان مردی صالح بود، پروردگارت از روی رحمت اراده کرد دیوار اصلاح شود تا آن گنج محفوظ بماند تا روزی که آن دو به بلوغ برسند و گنج خود را استخراج کنند».

از ظاهر این آیه شریفه برمی آید که در اختصاص رحمت خداوند به آن دو یتیم، صالح بودن پدر آنان دخالت داشته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴: ۳۱۸).

عکس هم این قضیه صادق است و ممکن است که شر گذشتگان به آیندگان برسد؛ مثلاً اگر کسی به یتیمی ظلم کند و مال یتیم را به ظلم تصاحب کند، به زودی همان ظلم به ایتام خودش برمی گردد و «این یکی از حقایق عجیب قرآنی است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴: ۳۱۸): «وَلْيُخْشِ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ (نساء: ۱۰)؛ کسانی که احتمال می دهند فرزندان یتیم و ناتوان از خود به جای می گذارند، و می ترسند که مورد ستم دیگران واقع شوند، امروز زور نگویند».

برخی علما این آیه را دارای محتوایی استعاره آمیز می دانند (شریف الرضی، ۱۴۰۶: ۱۱۹). درمقابل، برخی معتقدند مفاد این آیه شریفه حقیقت است و نه مجاز (سبزواری، ۱۴۰۹، ۷: ۳۱۱). بنابراین از دیدگاه قرآن کریم ممکن است حداقل فرزندانمان مهمان عمل ما شوند و از میوه های تلخ و شیرین درخت رفتار ما بخورند. روشن است که گناه نهان و آشکار تأثیری در این ویژگی عمل ندارد. اکنون پرسش این است که چرا عمل فقط به فاعل آن محدود و مربوط نمی شود و چنین انعکاس وسیعی دارد؟ پاسخ قرآنی علامه طباطبایی این است که دعا و درخواست انسان یا زبانی است یا عملی و در واقع با انجام هر عملی، ما همان عمل را برای خودمان تقاضا می کنیم (طباطبایی، ۱۳۷۱، ۴: ۲۰۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴: ۳۲۰).

اگر فردی که از دنیا رفته آدم صالحی نباشد از رنج نزدیکان خود نیز آگاه می شود (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ۱: ۱۸۱). بنابراین، صورت مسئله چنین نیست که حالا که پدر ظلم کرده، پسر باید مجازات شود، بلکه پسر مظلوم است و ثواب مظلوم را می برد و مورد عنایت حق است؛ اما رنج و ناراحتی اش در آخرت، دامنگیر پدر خواهد شد بدون آنکه پدر اجری ببرد.^۱

۱. ر.ک: آیت الله جوادی آملی، تفسیر سوره نساء، جلسه ۴۵، بنیاد بین المللی اسراء، دسترسی در:

وقتی این مبنا در تمدن نوین اسلامی ارزش محسوب شود، مسئولیت بیشتری برای والدین تعریف می‌کند و نحوه تأثیر عمل مثبت و منفی پدر و مادر و بلکه اجداد را در سرنوشت نسل آن‌ها بیان می‌کند و ازسوی دیگر باعث تحکیم بنیاد خانواده و اجتماع می‌شود.

۲.۲. تأثیر اخروی رفتارهای خانوادگی

برخی از حسنات باعث می‌شود نظیر همان حسنه در آخرت، نصیب دیگر اعضای خانواده شود: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ» (طور: ۲۱). علامه طباطبایی می‌نویسد از ظاهر آیه شریفه چنین برمی‌آید که خدای سبحان در مقام منت‌نهادن بر مؤمنان است و به‌زودی فرزندان مؤمن را به پدرشان ملحق و چشم پدران را روشن می‌سازد. در نتیجه معنای آیه این می‌شود که: ما از میان ذریه‌های مؤمنان کسانی را که مؤمن هستند به پدرانشان ملحق می‌کنیم، هرچند که ایمانشان به درجه ایمان پدرانشان نرسد؛ چراکه اگر فقط آن ذریه‌ای را به پدران مؤمن ملحق کند که ایمانشان یا مساوی یا کامل‌تر از ایمان پدران باشد، دیگر منت‌نهادن معنا ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۹: ۱۷).^۱

این نگاه به خانواده و در کنار هم بودن اعضای خانواده در آخرت، باعث ایجاد نشاط و نگاه خوشبینانه به حیات جاوید و تشویق به داشتن حیات طیبه و زندگی نیک و تمدن متعالی در دنیا می‌شود. شاید بتوان گفت در نقطه مقابل اهل ایمان که همراه هم در بهشت هستند، اشخاص دیگری از پدر و مادر و بستگان خود می‌گیرند: «يَوْمَ يَقْرَأُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (عبس: ۳۴-۳۶)؛» برای مبنا، همان تشبث خانوادگی دنیوی و تمدنی در آخرت هم دامنگیر گناهکاران می‌شود.

بنابراین، براساس معرفت قرآنی که معمار تمدن نوین اسلامی است، انسان هرگونه برخورد و معامله‌ای که با دیگران انجام دهد، انعکاس آن عمل، در دنیا و آخرت، به خودش یا بستگان درجه اولش برمی‌گردد، مگر آنکه خداوند متعال از آن انعکاس جلوگیری کند.

۱. علامه طباطبایی معتقد است از آنجاکه مادران، همسران پدران اند کلمه «ازواج» شامل ایشان است. برادران و خواهران و عموها و دایی‌ها و اولاد آنان هم جزو ذریه‌های پدران اند و کلمه «آبائهم» شامل آنان می‌شود و در آیه شریفه اختصار لطیفی به‌کار رفته است (طباطبایی، ۱۱: ۴۷۴).

علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴: ۳۲۱) این نکته را از عبارت «وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» (شورا: ۳۰) استفاده کرده است.

۳. تأثیر و تأثر در محیط زیست

از آنجاکه انسان جزئی از عالم هستی است، اعمال او در محیط زیستش تأثیر دارد. بر مبنای قرآن، یکی از قوانین عمل انسان این است که عمل او نه از آن جهت که انسان قدرت تغییر و دخل و تصرف در محیط زیست را دارد بلکه از آن رو که حسنه و سیئه هستند، در حوادث طبیعی جهان تأثیرگذارند. البته ذکر این نکات به این معنا نیست که تنها عامل بلایا - که در برخی ادعیه (دعای کمیل) و روایات (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۵: ۱۰۳۹؛ کلینی، ۱۴۳۰، ۴: ۱۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ۷۰: ۳۰۸ و ۳۶۶؛ ۹۴: ۳۴۱) نیز به آن‌ها اشاره شده است - گناهان انسان است. در ادامه بیشتر در این زمینه بحث می‌کنیم.

۳-۱. ارتباط رفتارهای نیک با حوادث خوب

اهمیت آب در سرنوشت حیات بشر بدیهی است تا جایی که برخی آب را مهم‌تر از نور آفتاب و از ضروریات تمدن بشر دانسته‌اند (دورانت، ۱: ۳). قرآن در خصوص تربیت الهی بشر، پایداری در راه حق را سبب بهره‌مندی از آب فراوان می‌داند و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا (جن: ۱۶)؛ و اگر [انس و جن] بر طریقه حق پایداری کنند حتماً آنان را از آب فراوانی سیراب خواهیم کرد.

براین مبنای اعمال نیک انسان تأثیر مستقیمی بر طبیعت و به‌ویژه بهره‌مند شدن انسان از آب دارد (جوادی آملی، بی‌تا، ۱۰: ۶۳۵). تأثیر عمل انسان در جهان، توسط شاگردان قرآن هم مطرح شده است؛ از جمله ابن‌سینا معتقد است کسانی که ادعا می‌کنند میان انسان و جهان رابطه‌ای وجود ندارد و دعا، صدقه، نماز باران، کار خیر و... در جهان اثر نمی‌گذارد شبه‌فیلسوف‌اند، نه فیلسوف (ابن‌سینا، ۱۴۰۴: ۴۳۹؛ ابن‌سینا، ۱۳۷۹: ۷۰۶).

این جهان کوه است و فعل ما ندا // سوی ما آید نداها را صدا

(مثنوی معنوی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۴).

آیه دیگری که به‌شکلی فراگیر و رسا بر مطالب پیش‌گفته تأکید دارد، این آیه شریفه است:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (اعراف: ۹۵)؛ اگر اهل بلاد ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، ما برکت‌هایی از آسمان بر آنان می‌گشودیم».

براساس این آیه، ایمان و تقوای شهروندان یک کشور و ساکنان یک شهر و یک روستا و شاید یک تمدن موجب گشایش درهای برکات آسمان و زمین به روی آنان است. در این آیه به روشنی رابطه حرکت در مسیر الهی با نزول برکات آسمانی و زمینی مطرح شده است.

این نگاه معنابخش اعمال نیک انسان می‌باشد و با مهار انواع خشونت به انواع موجودات، به انسان‌ها گرمای محبت و امنیت می‌بخشد. بدیهی است که وقتی انسان دریافت و باور کرد که اعمال نیک او در زیست‌بوم او تأثیر دارد، مدل مدیریت، سیاست، اقتصاد، امنیت و آموزش و پرورش او و... با تحولات بنیادین روبه‌رو خواهد شد: تحول از مسیر للتفس به لله.

۳-۲. ارتباط رفتارهای منفی با حوادث بد

آیاتی از قرآن کریم به دلالت مطابقی، اعمال انسان را با حوادث طبیعی پیوند می‌زنند؛ مثلاً آیاتی که درباره قارون (قصص: ۷۶-۸۲) و قوم سبا (سبأ: ۱۵-۱۹) و دیگر تبهکاران (انعام: ۶) است، دلالت دارند که آنان بر اثر گناهان فردی یا جمعی گرفتار حوادث تلخ و محرومیت از نعمت‌ها و برکات الهی شده‌اند. این مبنا باعث حذف ظلم و خشونت فردی، خانوادگی، ساختاری و نهادی می‌شود. ظلم در این مدل به بد و خوب تقسیم نمی‌شود و از هر که و در هر زمان و مکان که باشد، مطرود است.

بنابراین، روشن می‌شود حوادثی که در عالم ایجاد می‌شود، حداقل تا حدودی تابع اعمال انسان است. اگر نوع بشر طبق رضای خدای عمل کند، و راه طاعت او را پیش گیرد، نزول خیرات و بازشدن درهای برکات را در پی دارد، و اگر هم مرتکب اعمال زشت شود، باید منتظر ظهور فساد در خشکی و دریا، نابودی امت‌ها، سلب امنیت، شیوع ظلم، بروز جنگ‌ها، حوادث و اتفاقات بدی مانند سیل، زلزله، صاعقه، طوفان و دیگر مشکلات باشد؛ گرفتاری‌ها و بدبختی‌هایی که یکی از عللش عمل انسان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲: ۲۷۱ و ۲۷۲).

۳-۳. حوادث خوب و بد و نحوه تلازم آن‌ها با رفتار آدمی

گرچه وقتی امت و جامعه و تمدنی به سمت فساد رفت، خود را در معرض تهدید قرار داده است، این طور نیست که به محض فساد، خداوند آن‌ها را مجازات کند (جوادی املی، بی‌تا، ۱۰: ۶۴۴). آیاتی هم که درباره اقوام گذشته می‌فرماید: «چون آن‌ها به طرف فساد رفتند ما هم آن‌ها را عقاب کردیم»، به این معنا نیست که هر جامعه فاسدی را خداوند «فوراً» عقاب می‌کند؛ بلکه به این معناست که ممکن است خداوند متعال آن‌ها را در دنیا یا در آخرت یا هم در دنیا و هم در آخرت کیفر بدهد.

درباره فرد فاسد هم همین مطلب صادق است. به هر حال، فرد و جامعه گناهکار، گرفتار تکاثر و فشار روحی هستند، چون از یاد خدا روی‌گردان‌اند. از طرفی، چون خداوند به جز شرك (نساء: ۱۱۶) احتمال دارد - به دلالت کریمه «يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» (شوری: ۳۰) - دیگر گناهان را بدون توبه عفو کند، ممکن است گناهان فرد یا جمعی را در آخرت بی‌آنکه توبه کرده باشند، ببخشد؛ بنابراین، نمی‌توان از تلازم و ضرورت عقاب قطعی سخن گفت، چون احتمال دارد که خداوند به وعید خود عمل نکند، اما این که چه کسی را و چگونه و با چه شرایطی ببخشد، برای ما روشن نیست. تأکید می‌شود که این دیدگاه در صدد نفی ضرورت و تلازم عذاب است، نه نفی مطلق آن. درباره تقوا هم اشاره شد که خداوند وعده فرموده است که اگر مردم يك روستا یا يك شهر و کشور و ملت و تمدن، تقوا داشتند، ضرورتاً برکات آسمان و زمین بر آن‌ها نازل می‌شود (اعراف: ۹۵)؛ اما اگر يك فرد در محیطی که بیشتر آن‌ها تقوا ندارند، حضور داشت، خداوند فقط وعده فرموده که او را از بن بست رهایی می‌بخشد، نه آنکه درهای برکات را برای او باز کند: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق: ۲ و ۳)؛ یعنی او را از فشار بیرون می‌آوریم و پس از تحمل مشکلات و گرفتاری‌ها به او روزی می‌دهیم، نه اینکه درهای رحمت و برکت را به رویش بگشاییم.

این نگاه ارزشمند به جهان طبیعت و اعمال فردی و اجتماعی انسان، نگاهی است که غفلت را از انسان دور می‌کند و با هوشیار ساختن و مسئول دانستن انسان، او را از فرورفتن در شهوات نفسانی و ظلم به دیگران بر حذر می‌دارد و او را آخرت‌محور و آخرت‌گرا و در مرز بیم و امید، تربیت می‌کند و اشتیاق به ساخت تمدن نوین اسلامی و مراقبت و حفاظت از آن

را در او زنده نگه می‌دارد. تأثیر تلازم عمل در سرنوشت مادی و معنوی انسان و جوامع انسانی که از مبانی مهم علوم انسانی متعالی است، در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۳: تأثیر تلازم عمل در سرنوشت مادی و معنوی انسان و جوامع انسانی

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»	تلازم دارد	با برخورداری از برکات مادی در دنیا	تقوای اجتماعی
«وَمَن أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعِيهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَاولئِكَ كَانَ سَعِيهِمْ مَّشْكُورًا»	تلازم دارد	با برخورداری از برکات الهی در آخرت	
«وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِّنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»	تلازم ندارد	با برخورداری از برکات مادی در دنیا	تقوای فردی
«وَمَن أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعِيهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَاولئِكَ كَانَ سَعِيهِمْ مَّشْكُورًا»	تلازم دارد	با برخورداری از برکات الهی در آخرت	
«وَ مَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ»	تلازم ندارد	با عقاب دنیوی و محرومیت از نعمات مادی در دنیا	فساد فردی
«وَ مَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ»	تلازم ندارد	با عقاب خدا و محرومیت از نعمات مادی در دنیا	فساد اجتماعی

(منبع یافته‌های پژوهش)

نتیجه‌گیری

با ارزش‌ترین و مهم‌ترین اصلی که در دستور کار مجاهدانه تمامی انبیا قرار داشته و آنان مجدانه مردم را به آن دعوت کرده‌اند، اصل توحید است: «أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ». به‌همین دلیل، اولین مسئله‌ای که در تمدن نوین اسلامی نظر گرفته می‌شود، مسئله توحید است. اصل توحید، مهم‌ترین و با ارزش‌ترین اصل اعتقادی است که محور و در رأس تمدن نوین اسلامی قرار دارد و هرچه در تضاد و تعارض با آن باشد، باید کنار گذاشته شود. اهمیت مسئله تا آنجاست که اگر مسئله مبدأ حل شد، بسیاری از مسائل و بلکه تمام آن‌ها حل خواهد شد. در حوزه ارزش‌های گرایشی اعتماد و حسن‌ظن به خدا مهم و کلیدی است. خروجی این دو ارزش در رفتار و عملکرد انسان خود را نشان می‌دهد که در ادامه مشاهده می‌کنیم:

۱. در تمدن نوین اسلامی، براساس هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی دقیق و جامعی که دارد، اعمال انسان به حسنه و سیئه (گناه و ثواب) تقسیم می‌شود. انسان با این اعمال نیک و بد، علاوه بر سرنوشت خودش، در خانواده، آحاد افراد جامعه و جهان خارج تأثیر می‌گذارد. آنچه لازم است، این است که ما دستاوردهای ایمان و عمل صالح خودمان را حفظ کنیم و برای تثبیت و گسترش و تعمیق آن برنامه‌ریزی‌های مدون علمی و کاربردی داشته باشیم تا صاعقه‌گناه، این خرمن ارزشمند تمدنی را آتش نزند و از بین نبرد.
۲. اعمال انسان از يك جنس نیستند: برخی دارای پاداش بیشتری می‌باشند، برخی قدرت تبدیل حسنات به سیئات و سیئات به حسنات را دارند. برخی اعمال انسان، چون آتش عمل می‌کنند و خرمن يك عمر عمل صالح انسان را به آتش می‌کشند و خاکستر می‌کنند و برخی کاملاً برعکس. برخی اعمال باعث می‌شوند که سیئات دیگران وارد پرونده اعمال ما شوند یا نیکی‌های ما در کارنامه آن‌ها نوشته شود.
۳. بین اعمال انسان با خیرات و مضراتی که در دنیا نصیب خانواده‌اش می‌شود، ارتباط وجود دارد. ممکن هم هست که به‌خاطر حسنات اجداد، مثل پاداش آن‌ها به ذریه آن‌ها هم عنایت شود؛ و به‌خاطر اعمال نیک فرزندان، پاداش‌هایی نصیب پدر و مادر شود.
۴. بین اعمال فردی و جمعی انسان‌ها تفاوت وجود دارد و اگر مردم يك شهر یا روستا یا کشور صالح بودند، برکات آسمان و زمین - و نه صرفاً اموال فراوان - بر آن‌ها نازل می‌شود و زیست و زیستگاه آن‌ها بابرکت می‌شود؛ درحالی‌که اگر فرد، تقوا داشت، پس از تحمل گرفتاری‌هایی از بن‌بست‌رهایی می‌یابد.
۵. برخی از حوادثی که در عالم ایجاد می‌شود، حداقل تا حدودی تابع اعمال انسان است و براساس منطق قرآن، نمی‌توان منکر این ارتباط شد.
۶. باتوجه‌به آنچه گفته شد، می‌توان گفت در تمدن نوین اسلامی افعال اقتصادی، مدیریتی، آموزشی، پژوهشی، سیاسی و... دارای ابعاد گوناگون و تأثیرات متنوعی هستند؛ تأثیرات و ارتباطاتی که پیچیده و دقیق‌اند و به‌مدد وحی در اختیار انسان گذاشته شده و تمدن غیراسلامی یا از آن کاملاً بی‌بهره است یا حداکثر از تأثیرات مادی و دنیوی آن، به‌صورت تك‌ساحتی و محدود، مطلع و بهره‌مند است.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

صحیفه سجادیه

ابن بابویه، علی بن حسین (۱۳۶۲). الخصال، قم: جامعه مدرسین.

_____ (۱۴۰۴). من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین.

ابن سینا (۱۴۰۴). الإلهیات الشفاء، به تصحیح سعید زائد، الاب قنوانی، قم: مرعشی نجفی.

_____ (۱۳۷۹). النجاة، مقدمه و تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: دانشگاه تهران.

احسانی، محمد (۱۳۹۳). مبانی تربیت عقلانی از منظر قرآن کریم، قم: پژوهشگاه علوم و

فرهنگ اسلامی.

الویری، محسن (۱۳۹۶). درسنامه شیعه و تمدن اسلامی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر

المصطفی ﷺ.

بابایی، حبیب‌اله (به کوشش) (۱۳۹۰). تمدن و تجدد در اندیشه معاصر عرب، قم: پژوهشگاه

علوم و فرهنگ اسلامی.

_____ (۱۳۹۹). تنوع و تمدن در اندیشه اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

بهمنی، محمدرضا (به کوشش) (۱۳۹۸). عیار تمدنی جمهوری اسلامی ایران، قم: پژوهشگاه

علوم و فرهنگ اسلامی.

بیرونی، محمدبن احمد (۱۴۰۳). تحقیق ما للهدی، مصحح: احمد آرام، بیروت: عالم الکتب.

جمعی از نویسندگان (۱۳۹۸). چیستی تمدن: ترجمه سیدمحمدحسین صالحی، قم:

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶). جستاری در باب تمدن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله. تفسیر تسنیم، کتابخانه دیجیتال اسراء.

_____؛ «قلب بیمار همه شئون علمی و عملی انسان را آلوده می‌کند»، ۱۳۹۴/۶/۱۵؛

دسترسی در: <https://fa.shafaqna.com/news/7338>.

حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم:

آل‌البتیت ﷺ.

حسنی، ابوالحسن و دیگران (۱۳۹۲). مبانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن کریم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

حیدری‌پور، عباس (تلخیص) (۱۳۹۸). کارنامه تمدنی جمهوری اسلامی ایران (چکیده کتاب عیار تمدنی جمهوری اسلامی ایران). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

دورانت، ویل (۱۳۷۸). تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸). أعلام الدین فی صفات المؤمنین، مصحح: مؤسسه آل‌البيت، قم: مؤسسه آل‌البيت.

سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۰۹). مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه اهل‌البيت.

شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۰۶). تلخیص البیان فی مجازات القرآن، بیروت: دارالأضواء. شعیری، تاج‌الدین (۱۴۰۵). جامع الأخبار، قم: رضی.

شوشتری، محمدتقی (۱۳۷۶). بهج‌الصباغة فی شرح نهج‌البلاغة، تهران: امیرکبیر. صدر، شهید سید محمد باقر (۲۰۱۱ م). السنن‌التاریخیه فی القرآن، أعاد صیاغة عباراته و ترتیب أفكاره الشیخ محمد جعفر شمس‌الدین، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

صدر، موسی (۱۳۹۵). ادیان در خدمت انسان، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی. صدرالمتألهین شیرازی (۱۳۸۲). مجموعه اشعار صدرالدین شیرازی، تصحیح محمد خواجه‌جوی، تهران: مولی.

الطباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۱). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسماعیلیان. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲). درآمدی بر حقوق اسلامی تطبیقی، نشر میزان. غلامی، رضا (۱۳۹۶). درس‌گفتارهایی از فلسفه تمدن نوین اسلامی، تهران: سوره مهر.

فاستر، مایکل برسفورد و دیگران (۱۳۸۸). خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین و جواد شیخ‌الاسلامی، چاپ چهارم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶). الوافی، اصفهان: کتابخانه امام أميرالمؤمنین علی.

قزائنی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰). الکافی، به اهتمام: محمد حسین الدرایتی، قم: دارالحدیث.

لکزایی، رضا (۱۳۹۷). مبانی علوم انسانی از منظر قرآن کریم، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.

لکزایی، نجف؛ الهامی، علی و لکزایی، رضا (۱۳۹۹). «نقش قدرت در تأسیس تمدن نوین اسلامی در منظومه فکری امام خمینی (ع)»، دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، س ۳، ش ۵، ص ۲۹-۵۸.

لکزایی، رضا (۱۳۹۵). «چیستی علوم انسانی متعالی»، فصلنامه تخصصی علوم انسانی صدرا، سال پنجم، ش ۱۸.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۹). شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).

مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد (۱۳۷۳). مثنوی معنوی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مصباح، مجتبی (۱۳۸۹). «معرفت فرهنگی اجتماعی، تأثیر ارزش‌ها بر علوم انسانی»، س ۲، ش ۱، ص ۱۰۳-۱۲۲.